سازهای کوبه ای و نیاز فطری انسان به ریتم

■ سازهای کوبه ای از قدیمی ترین سازهایی هستند که از هزاران سال پیش تمدن بشری از آنها استفاده میکرده است. اولین استفاده بشر از سازهای کوبه ای برای برقراری ارتباط راه دور بوده و بتدریج برای مراسم شادی، عزا، تشریفات مذهبی و ... از آنها استفاده شده است.

گروه فرهنگ و هنر – سازهای کوبه ای به همراه سازهای بادی برنجی از زمانهای دور در خدمت موسیقی بوده اند که این نشان دهنده لزوم وجودی آنها در موسیقی است. ریتم نیاز طبیعی هر انسان است و شاید یادآوری این مطلب برای شما جالب باشد که در هر فرهنگ و کشوری که نگاه کنید، کودکان علاقه مفرط دارند تا با چوب روی سطل یا شیء مشابه بکوبند که این مسئله نیاز فطری انسان به ریتم را نمایش می دهد.

در این مطلب به معرفی انواع سازهای کوبه ای خواهیم پرداخت:

۱-بانگو (bongo)

بانگو زاده کوبا است و همواره در موسیقی سان ، در میانه ی سال های ۱۸۰۰ ، بکار برده شده است .

سبک سان ، ترکیبی از موسیقی آفریقایی و اسپانیایی بر گرفته از بخش شرقی کوباست. امروزه بانگو یکی از نامی ترین سازهای کوبه ای لاتین به شمار میرود و می توان صدای آن را در همی سبک های موسیقی پیدا کرد . ضمنا این ساز در ایران به نام بینگو و بانگو معروف است.

۲-کنگا (congo)

ساز کنگا تا میزان زیادی ، رایج ترین ساز دستی کاربردی در موسیقی مردمی به شمار می آید . ریشه کنگا از کنگوی آفریقا است ، اما ساز خمره ای شکلی که پیش از این می دیدید در واقع سازی کوبایی که از دل نواهای محلی و بومی بیرون آمده ، کنگاها را میتوان در موسیقی جاز ، راک ، بلوز ، آراندیی ، و ورگا دید .کنگا در واقع در بر گیرنده سه ساز است : کوینتو ، سی گاندو یا کنگا و تومبا یا تومبادورا (اگر کنگا چهار تیکه باشد کوچکترین خانواده کنگا "ری کوینتو" نام دارد) . ضمنا به کل این ساز در ایران تومبا میگویند.

۳-جیمبه (djembe)

جیمبه ساز کوبه ای –آفریقایی جامی شکل است که ریشه اصلی همه سازهای کوبه ای بشمار می آید . این ساز با ظاهر قبیله ای ، صدای پر معنی و بلند و نواختن راحت و آسانش ، تبدیل به یکی از دوست داشتنی ترین سازهای دنیا شده است. کوک سفت جیمبه، و پوست نازک دهانه، به اندازه زیادی بر صدای پر معنی ساز ، تاثیر می گذارد .

۴-آشیکو (ashiko)

آشیکو سازی است از آن آفریقای غربی و مانند جیمبی ، دارای دهانه ای است نازک با پوست بز و به سبب سفت بودن دهانه ، به سختی کوک می شود . اگرچه آشیکو از لحاظ شکل و شمایل با جیمبه تفاوت های بسیاری دارد، اما صدایی همانند تولید می کند . بیشتر مردم ، آشیکو را برادر کوچک جیمبه می دانند . صدای آن همانند است، اما گستردگی صدا و توانایی اجرای صدای بم جیمبه را ندارد.

۵-اودو (udu)

اودو ، سازی است با اندامی خنده دار و جز اندک سازهای کوبه ای است که دهانه (یا پوست) ندارد ، ولی میتوان با ضربه زدن به روی آن ، تولید صدا کرد . به جای آن کل بدنه ساز برای ضربه زدن ، تولید صدا و در یک کلام ، نواختن بکار برده می شوند .

اودو از نیجریه می آید و بر پایه افسانه ها و داستان ها از گلدانی گرفته شده است که به گونه اتفاقی ، دارای سوراخی در کنار خود بوده است . این سوراخ ، گلدان را برای نگهداری چیزهای گوناگون، بی مصرف می ساخت . دارندگان این گلدان ، مانند افرادی که احساس ریتمیک بالایی دارند ، همان کاری را انجام دادند که هر شخص دیگری در این شرایط انجام می داد.اودو صدایی بی همتا تولید می کند: از صدای زنگ گرفته تا صدای بم کم رنگ و ضعیف.

۶-دمبک (doumbek)

دمبک ، جز سازهایی است که در موسیقی محلی عربی ، بکار برده شده است . دمبک ، سازی است جامی شکل ، که همانند جیمبه آفریقای غربی ، دارای صدایی پر معنی است . این ساز از آن خاور میانه است و می تواند از سفال و فلز ساخته شود، دهانه آن بسیار نازک است (به شکل سنتی از پوست ماهی است) .این ساز صدایی بسیار شفاف و تیز تولید می کند و مانند جیمبه ، دارای صدایی حجیم و کاملا بم است.ضمنا این ساز در ایران به نام تمپو و در جنوب از آن به عنوان ساز ترکیبی ضرب و تمپو استفاده می کنند.

۷-تار (tar)

تار جزو خانواده ی سازهای طوق دار از آن آفریقای شمالی است (ساز طوق دار ، دارای بدنه ای است که از قطر دهانه ی ساز ، کم عمق تر است).تارها بیشتر دارای قطری بین ۳۵ تا ۵۰ سانتی متر هستند . تار به سبب دهانه نازک و بدنه باریکی که دارد ، صدایی ضعیف تولید می کند که می تواند بسیار مجذوب کننده باشد.ضمنا این ساز در گروه های شرقی کاربرد فراوانی دارد .

۸-تمبورین / ریک (tambourine/riq)

شاید نخستین بار صدای تمبورین را در کنسرت راک ، هنگام همنوازی با گیتار ، شنیده اند.در موسیقی مردمی ، تمبورین بیشتر به عنوان پشتیبان خواننده به شمار می آید.تمبورین ، مانند دمبک و تار ، ساز محلی خاورمیانه ای است. و مانند تار ساز طوق دار است.چیزی که تمبورین را جدا می سازد ، حلقه های فلزی هستند که به بدنه ساز چسبیده اند امروزه میتوان گونه های بسیار گسترده ای از تمبورین ها در سراسر دنیا پیدا کرد.ضمنا این ساز در بین گروه های جنوبی کاربرد فراوانی دارد. (به نام دایره زنگی)

۹-پاندیرو (pandeiro)

پاندیرو (با تلفظ پان-دار-او)پیروی برزیلی ها از تمبورین است. با توجه به روایت های مختلف ، پاندیرو ، ساز ملی برزیل است.این ساز بخش جدا نشدنی جشن سالانه ی ماردی گراس است،و در همه سبک های موسیقی برزیلی نیز موسیقی راک ، فانک و پاپ نیز استفاده می شود.

۱۰-بوران (bodharn)

گفته می شود که بوران از آن خاورمیانه یا شاید آسیا باشد، اما هیچ کس در این زمینه مطمئن نیست. این ساز به تار مصری همانند زیادی دارد، بر خلاف تار ، بوران را با استیکی (دسته چوبی) به نام کی پین می نوازند . به دلیل اینکه بوران تا سالهای ۶۰ در موسیقی محلی ایرلندی ، بکار گرفته نشده بود ، مکان این ساز هنوز به گونه ای مورد تردید است .وظیفه این ساز پشتیبانی کردن است نه تکنوازی .

۱۱-جان جان (djun djun)

جان جان از ان آفریقا غربی است و از سه ساز کوبه ای تشکیل می شود: دان دونبا(بزرگ)، سانگبا (متوسط)، کان کینی (کوچک). البته هر کدام از این سازها از کنده های توخالی به وجود آمده اند و دارای اندازه های بسیار گوناگونی هستند ، معمولا دهانه جان جان ها با پوست بز درست می شود . جان جان ها نه تنها ضرب های باس ریتم های آفریقایی را بوجود می آورند، بلکه به ریتم، ملودی ظریفی نیز می افزایند . به گونه سنتی هر نوازنده یکی از اندازه های جان جان را می نواخت و گروه نوازندگان ریتم ها را در هم می آمیختند . اما امروزه معمولا یک نفر هر سه ساز را به تنهایی می نوازد ، افزون براین نوازنده جان جان ، ریتم ساز را با یک دست (دست چپ) و با دست دیگر (معمولا دست راست) زنگ "bell" می نوازد.

۱۲-کویی کا (cuica)

کویی کا بخش جدا نشدنی موسیقی سامبای برزیلی ، بشمار می آید و در اصل در آفریقا برای به دام انداختن شیرها به کا برده شده است.به دلیل اینکه کویی کویی کا دارای صدایی است بی همتا و پر معنا جای خود را در بیشتر ترکیبات ارکستری امروزی مانند موسیقی جاز ، فیوژن ، فانک و پاپ باز کرده است.این ساز معمولا نقش تکنوازی یا افکت های صوتی را بعهده دارد. کویی کا در گروه سازهای استیک دار (دسته چوبی) قرار دارد اما نه به سبب اینکه ان را با استیک می نوازند ، بلکه به این دلیل که این ساز دارای استیکی درون خود است که برای تولید صدا آن را مالش می دهند ، این ساز تنها سازی است که به پوست آن ضربه ای وارد نمی شود.

۱۳-ساز طوق دار آیینی (frame drum)

ساز طوق دار آیینی شاید بیشترین کاربرد را در دنیا داشته باشد .این ساز ، معمولا دارای دهانه ای با پوست آهو و دارای قطری نزدیک به ۳۰ سانتیمتر است. شاید این ساز را در تمرین های روحی سرخپوستان دیده باشید . اما فرهنگ های سراسر دنیا آن را در مراسم گوناگونی بکار می برند.از این رو عنوان ساز طوق دار آیینی نه به سبب نام رایج این ساز ، بلکه به دلیل معنا های فراوانی که در بر دارد ، به این ساز داده شده است.

۱۴-سوردو (surdo)

سوردو،با ضرب آهنگ پر تحرک و صدای بمی که دارد به عنوان قلب سامبا نام برده می شود .سوردو گونه ای باس درام و مانند جان جان ها دارای سه اندازه مختلف است که هر کدام نام ویژه خود را دارد :مارکاکائو،ری پستا،کورتادور.

۱۵-رپانی کی (repinique)

رپانی کی ، در اصل تام تام برزیلی است همچنین رپانی کی در بخشی از گروه سامبا بیشتر ساز کوبه ای اصلی به شمار می رود. در واقع رهبر گروه سامبا که مستر دو باتریا نامیده می شود ،رپانی کی مینوازدو گروه را با ریتم هایش رهبری می کند .برای نوازندگان دیگر رپانی کی این ساز نقش بداهه سازی مهمی در نواختن تک نوازی و موتیوهای آکساندار ایفا می کند.معمولا در یک گروه بزرگ بیش از ۴۰ تا ۵۰ نوازنده رپانی کی حضور دارند.

۱۶-تمبوریم (tamborim)

تمبوریم ساز کوچکی است که معمولا تنها ۱۵ سانتیمتر قطر دارد . تمبوریم که نبایستی با تمبورین اشتباه گرفته شود ،گونه ای دیگری از موسیقی سامبا به شمار می آید و مانند تمبورین جزء سازهای کوبه ای طوق دار است جز اینکه این ساز حلقه های فلزی ندارد و به وسیله استیک با یک دست (معمولا دست راست)نواخته می شود. گروه متوسط سامبا میتواند ۷۰ نوازنده تمبوریم داشته باشد .

این ساز کوبه ای که دارای صدایی زیر است در برابر ریتم اصلی سوردو، نت های آکساندار را می نوازند.

۱۷-تیمبال ها (timbales)

اگر چه میتوان ریشه ای این ساز را به نسل تیمپانی های اروپا بستگی دارد ،اما در واقع تیمبال ها دو ساز کوبه ای فلزی از آن کوبا هستند.تیمبال ها صدایی شفاف و بریده تولید می کنند که می توان آنهارادر تکنوازی های تیتو پونت بزرگترین مجری لاتین ،موسیقی دان و رهبر ارکستر جستجو کرد.در بیشتر موارد تیتو به همان اندازه ای که در نواختن کنگا در غرب محبوبیت داشت،در نواختن تیمبالها نیز جایگاه ویژه ای پیدا کرد .امروزه می توان تیمبال ها را در بیشتر سبک های موسیقی ، خواه جاز،فانک و یا پاپ یافت.

۱۸-باتا (bata drum)

باتا درام، درام دو سر است که به شکل ساعت شنی با یک مخروط بزرگتر از دیگری است.ساز کوبه ای است که در درجه اول برای استفاده از مقاصد مذهبی یا نیمه مذهبی برای فرهنگ های بومی از سرزمین یوروبا، واقع در نیجریه، کوبا ، پورتوریکو ، و در ایالات متحده استفاده می شد.

استقبال از جدیدترین رمان «جیمز پترسون»

گروه فرهنگ و هنر – نام رمان جدید «جیمز پترسون»، نویسنده مشهور و پرکار آمریکایی در فهرست رمان‌های پرفروش نشریه نیویورک تایمز جای گرفت.

رمان «بیستمین قربانی» به قلم «جیمز پترسون» و «ماکسین پانترو» به عنوان جدیدترین جلد از سری داستان‌های «باشگاه قتل زنان» منتشر شد و در نخستین هفته از حضور در فهرست آثار پرفروش نشریه نیویورک تایمز در جایگاه چهارم قرار گرفت.

«بیستمین قربانی» درباره قتل چند فرد بدنام در شهرهای مختلف پرداخته است.

سال گذشته رمان «نوزدهمین کریسمس» به عنوان نوزدهمین جلد از سری داستان‌های «کلوب قتل زنان» و کارآگاه «لیندزی باکسر» این دو نویسنده به این فهرست راه یافته بود.

«پترسون» به طور میانگین سالی ۱۴ کتاب منتشر می‌کند و نام او به عنوان اولین نویسنده‌ای که یک میلیون جلد از آثارش در قالب دیجیتال به فروش رسیده، ثبت شده است.

رمان «کامینو» از «جان گریشام» نیز که هفته گذشته صدرنشین این فهرست شده بود، این هفته همچنان در رتبه نخست قرار دارد.

در جدیدترین اثر «گریشام»، زمانی که جسد یک نویسنده آثار جنایی پس از وقوع یک طوفان در جزیره «کامینو» کشف می‌شود، مرز بین واقعیت و تخیل زمان کم‌رنگ‌تر می‌شود.

جایگاه‌های دوم، سوم و پنجم فهرست پرفروش‌های داستانی جلد سخت این هفته به‌ترتیب به «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» به قلم «دلیا اوئنز»، «اگر خون جاری شود» نوشته «استفن کینگ» و «همه بزرگسالان این‌جا هستند» اثر «اما استراب» اختصاص یافته است.

معرفی کتاب

دیدن از سیزده منظر

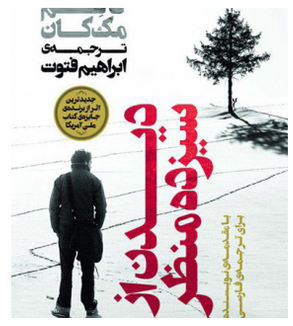

گروه فرهنگ و هنر – «دیدن از سیزده منظر» آخرین اثر داستانی کالُم مک‌کان (۱۹۶۵-) ایرلندی است. وی استاد نویسندگی در دانشگاه هانتر نیویورک است و تا کنون ۹ اثر داستانی منتشر کرده‌است که برای او افتخارات فراوانی به همراه داشته‌اند. از میان آنها می‌توان به جایزه ملی کتاب آمریکا در سال ۲۰۰۹ و جایزه ادبی دوبلین ۲۰۱۱ اشاره کرد. کتاب حاضر اولین ترجمه از آثار وی به فارسی است.

این اثر شامل یک داستان بلند و سه داستان کوتاه است که در فضاهایی شاعرانه و گاه طنزآلود، خواننده را به تأمل وامی دارند. داستان بلند این مجموعه در سیزده بخش نوشته شده و بر پیشانی هر بخش، بریده‌ای از شعر «دیدن سیه‌پر از سیزده منظر» اثر والاس استیونس، شاعر مدرنیست آمریکایی نقش بسته‌است. نویسنده ضمن داستان پردازی جذابش، تفکرات استیونس را نیز لابه‌لای داستان می گنجاند. این مجموعه موفق به دریافت جایزه پوشکارت ۲۰۱۵ و بهترین داستان کوتاه آمریکا در همان سال نیز شده‌است.

«دیدن از سیزده منظر» آیینه‌ای به قامت یک داستان بلند و سه داستان کوتاه‌است که می‌توان در قاب آن، مخفی‌ترین ابعاد شخصیتی انسان‌ها را به تماشا نشست. دوران پیری را همراه پدربزرگی تنها سر کرد و سرود تنهایی را با سربازی تنها در غوغای سکوت خواند. مادرانه‌های زنی تنهامانده را به گوش جان شنید و با کشیشی بر سر دوراهی گذشت یا انتقام، پا سست کرد.

بخشی از کتاب:

با ضعفی مفرط پا به سن می گذارد. چیزی که اکنون آزارش می‌دهد کندیِ برخاستن از خواب صبحگاهی، تحلیلِ رفتن بینایی‌اش، یا دردهای سینه‌اش که روزبه‌روز بیشتر می‌شوند، نیست؛ بلکه نقصان حافظه است –اینکه چطور گذشته به این راحتی فراموشش می‌شود، یا اکنون که چگونه سپری می‌شود، یا اینکه چطور گاهی این دو با هم بر خورد می‌کنند –طوری که وقتی شکنجه‌گرش را در تلویزیون می‌بیند مطمئن نیست که آیا قوه‌ی تخیل او دارد فریبش می‌دهد یا اینکه او از صافی حافظه عبور کرده و از گذرگاهی به درازای سی‌وهفت سال گذشته است تا با یک اشتباه فاحش او را دست بیندازد، یا اینکه واقعاً خودش است که اینک با آسودگی و خویشتن‌داری و ظاهری آراسته در اخبار شبانگاهی ظاهر شده است.

معرفی کتاب

«پدر حضانتی »

گروه فرهنگ و هنر – دیدیه وَن کولارت، نویسندهٔ بلژیکیِ تبار فرانسوی، متولد بیست و نهم ژوئیه ۱۹۶۰ در شهر نیس فرانسه است. او که از هشت‌سالگی با هَدف کسب درآمد تصمیم گرفت رمان‌هایش را منتشر کند در مسیر پُرتلاطم تخیل، خلق و انتشار آثارش بارها از سویَ ناشران فرانسوی طرد شد تا سرانجام سال ۱۹۸۱، بعد از سیزده سال نوشتن بی‌وقفه مورد تأیید یکی از ناشران قرار گرفت و از آن پس آثار منتشرشده‌اش علاقه و توجه مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرد.

از آثار مهم او می‌توان به ماهی عشق (جایزهٔ روژه نیمیه، ۱۹۸۴)، تعطیلاتِ یک روح (جایزهٔ گوتنبرگ، ۱۹۸۷)، مسیر یک‌طرفه (جایزهٔ گنکور، ۱۹۹۴)، شبِ قبل در قرن پانزدهم، شاهدان ازدواج و... اشاره کرد. وَن کولارت که به مارسل اِمه و رومن گاری (دوست دوران دبیرستانِ پدرش) علاقهٔ زیادی دارد، نمایش‌نامه‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی و کارگردانی دو فیلم را نیز در پروندهٔ هنری خود گنجانده است. کتاب «پدر حضانتی» که جایزهٔ مارسل پانیولَ را در ۲۰۰۷ نصیب دیدیه ون کولارت کرد، در حقیقتَ ادای دِین و احترام دیدیه به پدرش رنه وَن کولارت، وکیل برجسته، داستان‌پردازِ شوخ و تأثیرگذارترین شخصیت در زندگی این نویسنده است. ون کولارت در داستان «پدر حضانتی» از پدر خودش حرف می‌زند. پدری شگفت‌انگیز که خود را «روحی آزاد می‌دانست که برای جوراب پوشیدن هم به کمک نیاز دارد. سرباز کهنه‌کار و خلع‌سلاح‌شده‌ای که برای امدادرسانی به کسانی که کمتر از خودش معلول بودند همیشه اعلام آمادگی می‌کرد.» شخصیتی چنان ماندگار و دوست‌داشتنی که سوگوارانش در مراسم تدفین تنها یک سؤال را در ذهن‌شان مدام تکرار می‌کردند: «بعد از این دیگر چه کسی مرا خواهد خندانند؟

نثر و سبک نگارش وَن کولارت نیز در این رمان به شخصیت پدرش شبیه است؛ ترکیب تراژدی با کمدی، گذارِ ناگهانی از اندوهِ مرگ به نیروی حیاتَ و همزمانی وضعیّتی مضحک با غمی وصف‌ناپذیر، یادآورِ ون کولارتِ پدر است؛ مردی بشاش و بذله‌گو که باولع و اشتها مشغول خوردن راویولی است اما زیرِ میزِ غذاخوری پای راستش را از شدّتِ دَرد دور پای چپش حلقه کرده و با مشت روی آن ضربه می‌زند.

معرفی کتاب

« جیغ » هم نیاز به فاصله گذاری اجتماعی دارد

گروه فرهنگ و هنر – پیش‌تر اعلام شده بود که تابلو نقاشی مشهور «جیغ» اثر «ادوارد مونک» در حال محو شدن است حالا کارشناسان حضور تعداد زیاد بازدیدکنندگان در محل نگهداری این اثر را دلیل این پدیده اعلام کرده‌اند.

گروهی از دانشمندان سراسر جهان که دلایل محو شدن تابلو نقاشی «جیغ» را مورد بررسی قرار داده‌اند، دریافتند، «ادوارد مونک» نقاش برجسته نروژی برای خلق تابلو نقاشی «جیغ» از نوعی رنگ «زرد کادمیوم» ناخالص استفاده کرده که این رنگ در واکنش با کمترین درجه رطوبت از جمله رطوبتی که با تنفس بازدیدکنندگان حاضر در سالن به وجود می‌آید نیز محو می‌شود. در نتیجه این پدیده، تغییراتی در رنگدانه‌های بخش‌هایی از آسمان و گردن فردی که در این تابلو نقاشی به تصویر کشیده شده است، به وجود آمده است.

بخشی از نقاشی که در سمت راست و بالا قرار دارد تصویر کنونی این تابلو نقاشی و وضعیت حال حاضر رنگدانه‌ها را نشان می‌دهد. بخشی از نقاشی که در سمت راست و پایین قرار دارد در حقیقت تصویری بازسازی‌شده دیجیتالی از وضعیت اولیه این نقاشی است.

«کوئن جانسن» استاد دانشگاه «آنتورپ» بیان کرد: «انسان‌ها هنگام تنفس رطوبت و کلرید تروش

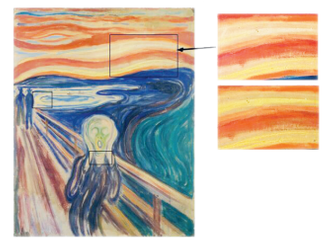

می‌کنند در نتیجه این تابلو نقاشی نباید در معرض تنفس رهگذران قرار بگیرد.»

«جانسن» معتقد است، این نقاشی باید به نحوی در معرض دید بازدیدکنندگان موزه مونک در «اسلو» قرار بگیرد که نفس‌های بازدیدکنندگان با سطح تابلو تماسی نداشته باشد. کارشناسان امیدوارند با ایجاد تغییراتی در روند نمایش «جیغ»، سرعت محو شدن این تابلو نقاشی کاهش پیدا کند.

«ادوارد مونک» بین قرن نوزدهم تا بیستم چهار نسخه از تابلوی «جیغ» را خلق کرد.

این اثر مردی تنها را روی پل و زیر آسمان قرمزرنگی نشان می‌دهد که از وحشت در حال جیغ زدن است. این نقاشی در سال ۲۰۱۲ به قیمت ۱۲۰ میلیون دلار به حراج رفت و در آن زمان رکورد گران‌قیمت‌ترین اثر هنری جهان را به نام خود زد.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹